



فلسطین در چشم انداز امام خمینی (س)

در سال ۱۳۵۷ روح جدیدی در کالبد مبارزات ضد صهیونیستی دمیده شد. اگر در یک تحلیل جامع و کلی تر بخواهیم به عوامل و موانع اوجگیری مبارزات ملت فلسطین پس از انقلاب اسلامی اشارتی داشته باشیم می‌توان گفت که وقوع انقلاب اسلامی و به تبع آن نفوذ معنوی و شخصیت امام خمینی و مواضع وی جزو عوامل اوجگیری مبارزات و تحول روش و ایدئولوژی مبارزه و سرانجام پیدایش انتفاضه بود. اما موانع آن بطور کلی در این بود که «انقلاب اسلامی در

مرحله‌ای از پیشرفت تکنولوژی و اوج تکامل صنعتی دنیای غرب واقع شد که در برابر مسائل و دشواریهای بسیار پیچیده‌ای برای تداوم راه خود و تقویت جنبش‌های موازی قرار می‌گرفت که امپریالیزم رسانه‌ای، تنها به عنوان نمونه‌ای از آن موانع، قادر بود در افکار عمومی مردم جهان و حتی در داخل کشور، رسوخ کرده و با بهره‌گیری از روشهای پیچیده روانشناختی و خبری در سطحی وسیع دست به سمپاشی، تأثیر گذاری و

دیوار فلسطین، محل ظهور و موطن و مزار حضرت موسی (ع) و زادگاه حضرت عیسی و نخستین قبله گاه مسلمین، همواره کانون توجه و احترام مذاهب بزرگ دنیا و همه ملل جهان است. مسلمانان همواره اکثریت مطلق جمعیت فلسطین را دارا بودند و قرن‌ها در سایه حکومت مسلمین، همه مذاهب و فرق در همزیستی کامل زندگی کردند اما از هنگامی که بادسایس استعماری، تسلط انحصاری صهیونیزم و نادیده گرفتن حقوق اکثریت ساکنان آن دیار آغاز شد، به پایگاه استعمار در منطقه و کانون تهدید و تفرقه در منطقه حساس خاورمیانه تبدیل گردید.

در نیم قرن اخیر مبارزات آزادیبخش مسلمانان مظلوم فلسطین افت و خیزهای فراوانی را پشت سر گذاشت و وابستگی اغلب حکومت‌ها در سرزمین‌های اسلامی به استعمار، مسلمانان مجاهد فلسطین را از پشوانه وسیع هم کیشان محروم ساخته و جنبش ضد صهیونیستی را به نوعی رکود کشانیده بود. با وقوع انقلاب اسلامی ایران

مقابله بزند و جهان را علیه اهداف انقلاب اسلامی متحد سازد و یا آنرا در جنگی نابرابر قرار دهد که یک طرف آن متکی به آواکسها و ماهوارهها و پیچیدهترین و پیشرفتهترین امکانات باشد و طرف دیگر متکی به نیروهای انسانی مؤمن و فداکار»^۱

انقلاب اسلامی در چنان شرایطی پیروز شد و خط مشی حمایت از جنبشهای آزادیبخش و نیز مبارزات فلسطین را در پیش گرفت. در زمانی که جهان در آستانه ورود به دوران تمدن سوم، عصر رایانهها، عصر انفجار اطلاعات و پیدایش تکنولوژی ارتباطات دوسویه و آمیزشهای فرهنگی، وحدت جهانی و ظهور علائم فرو پاشی ابر قدرت شرق بود و پدیده‌ای موسوم به نظم نوین جهانی شکل می‌گرفت و در درون خود شبکه‌های سنتی سلطه را نیز حفظ می‌کرد. زمانی که ستیزه‌های بین المللی به تدریج به سود قدرتمندان جهانی تبدیل به همکاری بین المللی شده و نظام استعمار و سلطه شکل نوینی گرفت و اکنون که در آخرین سال‌های قرن بیستم هستیم، نظم نوین جهانی با پشتیبانی قدرتهای نظامی و فوق صنعتی در شرف وقوع است، امریکا با هجوم گسترده موسوم به جنگ نفت علیه عراق (به بهانه اشغال کویت توسط آن کشور) زهر چشمی از اعراب و دولتهای مترقی عرب گرفت. لیبی حمله کرد و در بمباران مقر حکومت قذافی رهبر لیبی، تنی چند از اعضای خانواده او کشته شدند، اما آب از آب تکان نخورد و دنیای اسلام فقط نظاره‌گر این حادثه بود اکنون در سایه راه‌اندازی بحرانها و جریانات انحرافی (وسرگرم کردن مسلمانان به مسائل متفرقه و پرداختن به مسائلی نظیر انفجار بوئوس آیرس، خطر هسته‌ای ایران و پاکستان و ... ادعای مالکیت سه جزیره ایرانی توسط

امارات و جنگ داخلی بوسنی و صرب و غیره) مسئله فلسطین را می‌خواهند حل کنند و سوریه را که سالها بر موضع سازش ناپذیری با اسرائیل پای می‌فشرد، مجبور به مذاکره و سازش کرده‌اند. کشور اسلامی سومالی توسط امریکاییها اشغال شد و جنوب عراق در تصرف قوای امریکایی‌هاست، امریکاییها نفت عراق را خود استخراج می‌کنند و می‌فروشند و پس از کسر کردن غرامت جنگی و هزینه قشون خویش، هر چه را که خواستند به دولت عراق می‌پردازند. خلیج فارس نیز جولانگاه ناوگانهای امریکایی گردیده است و دنیای اسلام در برابر همه این فجایع خاموش است و گاه به اعتراضات شفاهی اکتفا می‌کنند.

اکنون جو غالب بر اعراب جو مذاکره، سازش و تسلیم در برابر اسرائیل است. هنگامی که سادات قرار داد کمپ دیوید را امضاء کرد، مصر از جرگه اعراب اخراج شده و امروز نه تنها مضر به جرگه اعراب بازگشته است که افتخار تقدم سازش با اسرائیل و به رسمیت شناختن آن را نیز به دوش می‌کشد و ممالک مترقی ضد صهیونیستی هم اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند و بدینسان یک اقلیت کوچو یهودی اراده خویش را به یک میلیارد مسلمان تحمیل و بر آنان حکمفرمایی می‌کند. ما این حوادث را به مثابه برگگی از کتاب برای آیندگان ثبت می‌کنیم تا آیندگان بدانند خادم و خائن چه کسانی بودند و روند انحطاط چگونه آغاز شد و چه کسانی تا واپسین دم از حقوق غصب شده یک ملت دفاع کردند و ...

در روزگاری که، افشای صهیونیزم حتی در ممالک غربی مدعی دموکراسی تهدید ترور و محاکمه در پی داشت و نشانه نفوذ

صهیونیسم در ارگانهای حکومتی آنان بود و یا در برخی از ممالک جهان سوم مانند حکومت شاه در ایران که سازمان اطلاعات و امنیت آن (ساواک) با همکاری اسرائیل طراحی و تربیت شده بود، سخن گفتن علیه اسرائیل ممنوع بود. در خرداد سال ۱۳۴۲ امام خمینی در نطق معروف خویش که منجر به بازداشت ایشان و قیام پانزده خرداد شد، چنین گفت:

«امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده‌اند در سازمان امنیت و گفته‌اند شما با سه موضوع کار نداشته باشید، پس از آن هر چه خواستید بگویید. یکی اینکه با شاه کاری نداشته باشید و از او حرف نزنید و یکی هم اینکه با اسرائیل کار نداشته باشید و یکی هم اینکه نگوئید دین در خطر است»^۱

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و جهت‌گیری ضد صهیونیستی‌اش پدیده‌ای غیر منتظره و نگران‌کننده برای اسرائیل بود. ایران در زمان شاه، بازار واردات انبوه کالاها و محصولات اسرائیلی بود که رونقی به اقتصاد اسرائیل می‌بخشید و از آن سو با صادرات نفت به آن جان می‌داد و نفت ایران تبدیل به گلوله و سلاح می‌شد و بر سینه فلسطینیان می‌نشست. ایران تبدیل به پایگاهی برای اسرائیل شده بود و همین امر از دلایل دشمنی متقابل اسرائیل با انقلاب اسلامی ایران بود. امام خمینی می‌گویند:

«یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داده است کمک او به اسرائیل است، من همیشه در مطالبم گفته‌ام که شاه از همان اول که اسرائیل بوجود آمد با او همکاری کرده و وقتی که جنگ بین اسرائیل و مسلمانان به اوج خود رسیده بود، شاه همچنان نفت مسلمین را غصب کرده و به اسرائیل می‌داد و

این امر خود از عوامل مخالفت من با شاه بوده است»^۲

با وقوع انقلاب اسلامی همه این روابط گسسته شد و سفارت اسرائیل در تهران تبدیل به سفارت فلسطین گردید. بدیهی است که در مصاف انقلاب با امپریالیسم، توطئه‌های اسرائیل بخشی از توطئه‌ها علیه انقلاب اسلامی ایران خواهد بود. جنگ تحمیلی یکی از آنها بود که مانع از رویارویی انقلاب اسلامی با اسرائیل شد.

□ جو غالب بر اعراب، مذاکره،

سازش و تسلیم

در برابر اسرائیل است.

«آنچه که موجب تأسف بسیار است، آن است که ابر قدرت‌ها بویژه امریکا با فریب صدام، با هجوم به کشور ما دولت مقتدر ایران را سرگرم دفاع از کشور خود نمود تا مجال به اسرائیل غاصب تبهکار دهد تا با نقشه شوم خود که تشکیل اسرائیل بزرگ که از نیل تا فرات است، اقدام نماید»^۳

عقوبت مبارزه با اسرائیل فقط تهدید و ترور نبود. در مقیاسی بزرگ، جنگ تحمیلی نیز راهی بود برای مستهلک کردن انرژی ملت‌های مسلمان، به فراموشی سپردن مسئله اسرائیل و یا در درجه دوم قرار دادن آن.

در عین حال رهبر کبیر انقلاب اسلامی علیرغم جنگ تمام عیار با عراق، از مسئله فلسطین و اصلی بودن مبارزه با اسرائیل غافل نبودند به طوری که یکی از راههای انگیزه بخشی به مردم ایران و نسل انقلابی و حزب الهی، شعار (راه قدس از کربلا می‌گذرد) بود و امام خمینی با توجه به جنگ تحمیلی عراق

علیه ایران و شرایطی که در پایان قرن بیستم با آن روبرو هستیم، مبارزه با صهیونیسم را جزء لاینفک انقلاب اسلامی ایران اعلام داشتند.

امام خمینی، در شرایطی که زمینه‌های سازش اعراب با اسرائیل بوجود می‌آمد، بر ادامه مبارزه با اسرائیل تأکید کرد و راه موثر را استفاده از حربه تحریم نفت علیه اسرائیل دانست.

محورهای اساسی در دیدگاه‌های امام

خمینی پیرامون فلسطین^۵

استفاده از حربه نفت علیه امریکا و اسرائیل: پس از فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ م، دوران انقلاب و نوزایی فکری و فرهنگی (رنسانس) در غرب آغاز شد و در نیمه دوم قرن هیجدهم به انقلاب صنعتی و اقتصادی انجامید، اما درست از همان آغاز اولین انقلاب فکری در غرب، دنیای شرق انحطاط خویش را آغاز کرد به گونه‌ای که در قرن بیستم دیگر هیچ توازنی میان آن وجود نداشت. جهان به دو قطب پیشرفته صنعتی و ثروتمند یعنی غرب سیاسی و مسیحی و قطب عقب مانده و فقیر موسوم به جهان سوم تقسیم شد که ممالک اسلامی در زمره آن بودند و به مدد بهره‌گیری از ثروت و تولید و امکانات و سلاح‌های مدرن بود که غرب توانست اسرائیل را با جمعیت انداکی به اعراب مسلمان تجمیل کند. تجربه جنگ‌های متعدد اعراب و اسرائیل، بالاخص جنگ رمضان که ارتش‌های چند کشور عربی مورد حمایت ابر قدرت شوروی، از اسرائیل کوچک شکست خوردند، نموداری از ضعف آنان بود و این احساس ضعف و حقارت ناشی از شکستها و تلقی اینکه تداوم دشمنی با اسرائیل که با برخی از آنان مرزهای مشترک

□ انقلاب

اسلامی

پدیده‌ای

غیر منتظره

و

نگران‌کننده

برای

صهیونیسم است.

دارد، امنیت ملی آنها را به خطر می‌اندازد، زمینه‌های سازش را در اعراب بوجود آورد. در چنین شرایطی، امام خمینی بر ادامه مبارزه با اسرائیل تاکید کرد و راه موثر در یان مبارزه را استفاده از حربه تحریم نفت علیه اسرائیل و حامیانش دانست، ایشان در پیامی به دول و ملل اسلامی به مناسبت جنگ رمضان اعراب و اسرائیل در تاریخ ۱۳۵۲/۸/۱۶ گفتند:

«دولتهای ممالک نفت خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند، بعنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کرده، از فروش نفت به آن دولتهایی که به اسرائیل کمک می‌کنند خودداری ورزند.»

«با داشتن آن همه ذخایر، آن همه امکانات اگر یک هفته نفت خودشان را به روی این جنایتکارها ببندند، تمام مسائل حل خواهد شد معذک می‌گویند که ما این کار را نمی‌کنیم.»^۶

«اسرائیل قیام مسلحانه بر ضد کشورهای اسلامی نموده است و بر دول و ملل اسلام، قلع و قمع آن لازم است. کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالف با اسلام است.»^۷

«آیا جا ندارد که اعتراض کنیم: آقا نفت مسلمین را چرا به کفار می‌دهی، به کفاری که در حال جنگ و تجاوز به سرزمین و امت اسلام هستند.»^۸

حقیقت این است که نفت چون خون در رگهای اقتصاد و صنعت دنیای پیشرفته صنعتی است و کاهش یا قطع صدور نفت موجب کم خونی و ضعف و مرگ آن خواهد شد، غرب سیاسی علیرغم همه پیشرفت‌هایش، غول شیشه‌ای است که با قطع صدور نفت از پای در می‌آید. ممکن

است تصور شود، همان اندازه که غرب به نفت محتاج است، فروشندگان نفت نیز که دارای اقتصاد تک پایه‌ای نفت می‌باشند، زندگی‌شان به همان اندازه وابسته به درآمد نفت است اما حقیقت این است که در صورتی که کشورهای تولید کننده نفت در یک مدت زمان، سیاست ریاضت اقتصادی و استفاده از ذخایر خویش را اتخاذ می‌کردند، غرب سریعتر از آنان از پای می‌افتاد. فقط با یکماه قطع نفت بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عظیمی غرب را فرا می‌گرفت و آنان را به تسلیم و می‌داشت، بویژه که در آن هنگام هنوز کشورهای صنعتی تداوبری از قبیل ایجاد چاهها و منابع ذخیره نفتی را نیندیشیده بودند اما پس از آنکه مدت‌ها نظریه تحریم اقتصادی غرب بخاطر حمایتش از اسرائیل مطرح شد (ولی متأسفانه توسط همه ممالک اسلامی به اجرا در نیامد)، مصرف کنندگان نفت به صرف احتمال وقوع چنین امری در فکر ایجاد منابع ذخیره نفتی به مدت سه ماه افتادند و آن را عملی کردند زیرا اقتصاد ممالک صنعتی بسیار آسیب پذیرست و برنده نهائی در جنگ نفت فقط کسی است که بتواند چند روز بیشتر مقاومت کند و ذخیره‌سازی نفت به منظور افزایش زمان و ضریب مقاومت بود اما اگر اعراب حاضر به جنگ نفت با اسرائیل و حامیان نیرومند غربی اش نشدند خود دلایلی داخلی داشت که این دلایل در نهایت به ماهیت وابسته، رفاه طلب، عاقبت جو، استبدادی و عدم پایگاه مردمی حکومت‌های ممالک اسلامی مربوط می‌شد

وابستگی، عدم مشروعیت مردمی و روش استبدادی حکومت‌های منطقه مانع اصلی نجات فلسطین:

لازمه اتخاذ سیاست ریاضت اقتصادی این است که مردم مبتلا به بیماری و تب مصرف نباشند و اگر هم بودند آنقدر به زمامداران خویش اعتماد داشته باشند که با آنان همکاری و همراهی کنند، ولی خفقان و استبداد به حدی بود که مردم و مخالفین حکومت نه تنها حاضر به همکاری نبودند بلکه در کمین فرصت‌ها می‌نشستند تا به محض ضعیف شدن حکومت، آن را از پای در آورند. به همین روی در صورت اتخاذ روش ریاضت اقتصادی کوتاه مدت، که نتیجه آن کمبود ارزاق، کالاها و صعود تورم بود. نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی وسعت می‌گرفت و برای حکومت‌ها خطرناک بود، بویژه آنکه در بسیاری از کشورهای عربی اصولاً حکومت‌ها یا پادشاهی بودند و پارلمان و انتخابات وجود نداشت و یا اگر هم مانند کویت پارلمانی وجود داشت یک مجلس تشریفاتی بود که مطابق قوانین آن کشور پادشاه حق انحلال آن یا عزل و نصب اعضای مجلس را داشت و یا گر هم نظام حکومتی جمهوری بود، تفاوتی با نظام سلطنتی استبدادی نداشت و رئیس جمهور مادام العمر بود. در نتیجه از آنجا که مردم نقشی در روی کار آوردن دولت‌ها نداشتند، مسئولیتی هم در قبال آن احساس نمی‌کردند و دلیلی هم برای شرکت اختیاری و داوطلبانه در خطر نمی‌دیدند. به همین دلیل است که امام خمینی کراراً به اعراب می‌گوید شما هم مانند ایران شاه را کنار بزنید:

«ما تا به اسلام برنگردیم - اسلام رسول الله - مشکلاتمان سر جای خودش هست، نه می‌توان قضیه فلسطین را حلش کنیم، نه افغانستان را نه سایر جاها را، ملت‌ها باید برگردند به صدر اسلام، اگر حکومت‌ها هم با ملت‌ها برگشتند که اشکالی نیست و اگر

برنگشتند ملت‌ها باید حساب خودشان را از حکومت‌ها جدا کنند و با حکومت‌ها آن کنند که ملت ایران با حکومت خودش کرد، تا مشکلات حل شود...»^۹

تاکید امام بر قیام و مبارزه علیه حکومت‌ها بعنوان راه نجات فلسطین:

□ امام خمینی، در شرایطی که زمینه‌های سازش اعراب با اسرائیل بوجود می‌آید، بر ادامه مبارزه با اسرائیل تأکید کرد و راه مؤثر را استفاده از حربه تحریم نفت علیه اسرائیل دانست.

امام خمینی کراراً در مواضع و بیانات خویش، علاوه بر تأکید بر اتحاد و تمسک به اسلام و بازگشت به ارزشهای اسلامی قیام علیه حکومت‌ها را در ممالک اسلامی یکی از مقدمات واجب برای نجات فلسطین می‌داند زیرا حکومت‌های استبدادی به دلیل فقدان پایگاه داخلی، برای حفظ خود در برابر نارضایتی‌ها و مخالفت‌های داخلی نیاز به حمایت خارجی دارند و بدینسان میان استبداد و استعمار اتحاد بوجود می‌آید.

طبیعی است که مبارزه با استبداد داخلی مقدم بر مبارزه با استعمار خارجی است زیرا مادامی که دشمن درخانه است، مبارزه در جبهه خارجی بی‌ثمر خواهد بود. برای مبارزه با استعمار نخست باید پایگاه‌های داخلی آن یعنی استبداد و حکومت‌های وابسته و سرمایه‌های وابسته و پایگاه‌های اقتصادی را از میان برد به همین دلیل از دیدگاه امام خمینی، سرنگونی حکومت‌های وابسته و

مسلط بر ممالک اسلامی، فوری‌ترین راه نجات فلسطین است.

همانطور که گفته شد، از راههای اساسی مبارزه با اسرائیل و حامیان قدرتمند غربی آن، تحریم اقتصادی و نفتی بود اما این واقعه محتمل بود که فقط با تحمل ریاضت اقتصادی خاتمه نیابد و غرب برای نجات خویش دست به تهاجم به منابع نفتی خاورمیانه و اشغال آنها بزند. اگر چه نظام دو قطبی جهان و وجود ابر قدرت شوروی در همسایگی کشورهای اسلامی سبب خود داری غرب از چنین اقدامی می‌گردید زیرا قهراً پای روس‌ها را به میدان جنگ می‌کشید و جنگ جهانی سوم را شعله‌ور می‌ساخت که در آن صورت اثری از حیات روی کره زمین نمی‌ماند و از طرفی هر گونه درگیری امریکا و غرب با کشورهای نفت خیز منطقه خاورمیانه، نتیجه‌اش گسترش بیشتر نفوذ شوروی در این کشورها می‌شد و سرنوشت امروز جهان بگونه‌ای دیگر بود و غرب نیز به دلیل فقدان نفت در جنگ با کشورهای نفت خیز تاب مقاومت نمی‌آورد.

انقلاب اسلامی پدیده‌ای غیر متظره و نگران کننده باری صهیونیسم است.

□ با وقوع

انقلاب اسلامی

انگیزه جدیدی

در کالبد

مبارزان ضد صهیونیستی
دمیده شد.

اما مهمتر از همه این موارد آن بود که در برابر سلاحهای مدرن و تجهیزات پیشرفته

کشورهای غربی، جهان سومی‌ها فقط با تکیه بر امواج انسانی مؤمن و فداکاری که به فرماندهی حکومت‌های خویش اعتماد دارند و با استفاده از روش جنگ‌های چریکی می‌توانستند وارد هماردی با غرب شوند که این امر به دلایل مختلف بعید می‌نمود زیرا هم به دلیل ماهیت وابسته عده‌ای از آنها، به سادگی، توده‌های مردم وجه المصالحه قرار می‌گرفتند، چه اساساً برخی از این حکومت‌ها با کمک امریکا و انگلیس به قدرت رسیده بودند، به همین دلیل امام خمینی علاوه بر راه تحریم نفتی، سرنگونی رژیم‌های وابسته و غیر مردمی منطقه توسط مردم آن کشورها را اصلی‌ترین و مقدم‌ترین راه می‌دانستند:

«مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که این مسلمین را به این روز انداخته‌اند ملت‌ها مشکل مسلمین نیستند. این حکومت‌ها هستند که بواسطه روابطشان با ابر قدرت‌ها و سرسپردگی‌شان با ابر قدرت‌ها چپ و راست، مشکلات را برای ما و مسلمین ایجاد کرده‌اند مشکل مسلمین فقط قدس نیست، این یکی از مشکلاتی است که مسلمین دارند. افغانستان مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ پاکستان مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ ترکیه مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ مصر مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ عراق مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ باید ما تحلیل کنیم که مشکلی که در همه اقطار مسلمین هست از کجا پیدا شده است و راه حلش چیست؟ چرا مسلمین در همه جای دنیا تحت فشار حکومت‌ها و ابر قدرتها هستند و راه حل این مسئله چیست؟ تا اینکه هم رمز پیروزی بر همه مشکلات بدست بیاید و هم

قدس و افغان و سایر بلاد مسلمین آزاد بشوند.

مشکل مسلمین حکومت‌های مسلمین است این حکومت‌ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده‌اند، ملت‌ها مشکل نیستند، ملت‌ها با آن فطرت ذاتی که دارند می‌توانند مسائل را حل کنند لکن مشکل، دولت‌ها هستند شما سرتاسر ممالک اسلامی را وقتی که ملاحظه کنید کم جایی را می‌توانید پیدا بکنید که مشکلاتشان بواسطه حکومت‌هایشان ایجاد نشده.

این حکومت‌ها هستند که بواسطه روابطشان با ابر قدرت‌ها و سرسپردگی شان با ابر قدرت‌های چپ و راست مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کرده‌اند اگر این مشکل از پیش پای مسلمین برداشته بشود، مسلمین به آمال خودشان خواهند رسید و راه حلش با دست ملت‌هاست»^۱

افشای مکرر اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات: دلایل مختلف نشان می‌داد که مرزهای جغرافیائی اسرائیل محدود به اراضی اشغال شده فلسطین نخواهد ماند:

الف: از یک سو شعار اصلی پارلمان اسرائیل که برگرفته از کتاب تورات است این بود که «اسرائیل؛ مرزهای تو از نیل تا فرات است» و این شعار در دوران ضعف و نوپایی اسرائیل که اشغالگران از جمعیت و قدرت اندکی در برابر دنیای اسلام برخوردار بودند مطرح می‌شد و بدیهی است که به هنگام قدرت آن را عملی سازند.

ب: صهیونیست‌ها نژادپرست بودند و نژاد خود را برترین نژادها و بنی اسرائیل را فرزندان خدا می‌دانستند که باید حکومت جهان را به دست گیرند و دست کم زمانی که قدر آن را ندارند از نیل تا فرات را به دلایل

مذهبی خود، از آن خویش می‌دانستند. همین عقاید و روحیات یکی از دلایل رواج جهود کشی بود بطوری که حکومت تزاری روسیه آنان را قلع و قمع می‌کرد و هیتلر بعنوان نژادپرست دیگری که این گروه را رقیب خویش می‌دید، برای براندازی نسل یهود و بنی اسرائیل آنان را فوج فوج به هلاکت می‌رساند.

ج: دنیای غرب با آینده‌نگری که داشت نیازمند تسلط پایدار بر سرزمین‌های طلای سیاه (نفت) و معادن عظیم دیگر در خاورمیانه و قبضه کردن بازار مصرف آن بود و اسرائیل وسیله مناسبی برای تحقق این رؤیا بود، اما این کار نیاز به زمانی طولانی و زمینه‌سازیهائی ماهرانه داشت. اسرائیل همواره یکی از مهمترین عوامل ناامنی منطقه بود که اعراب و مسلمانان همواره ناچار از تجهیز و تسلیح خویش برای حفظ امنیت ملی بودند و همین امر خاورمیانه را به زرادخانه امریکا و غرب تبدیل کرد و از این رهگذر میلیاردها دلار را به جیب سرمایه داران و دولت‌های غربی سرازیر ساخت.

د: تجربه تحمیل یک اقلیت کوچک یهودی بعنوان حکومت اسرائیل، بر اکثریت اعراب و مسلمانان ساکن فلسطین نشان داد که تکرار این تجربه در سایر ممالک عربی هم امکان‌پذیر است. بخصوص وقتی که اعراب در جنگ با اسرائیل شکست خوردند امید به تحقق اسرائیل بزرگ و تکرار آن تجربه بیشتر شد. امام خمینی کراراً به هدف و نقشه اسرائیل بزرگ در سخنان خویش اشاره داشته است. از جمله می‌گوید:

«این مهره دومی که حالا آمده است، اسحاق شامیری که الان آمده است و می‌خواهد نخست وزیر بشود از اول برنامه خودش را گفته است. از اول گفته است که

اسرائیل بزرگ باید تحقق پیدا کند - باید فلسطین به کلی از بین برود. تمام جاهایی که دست اسرائیل است اینها لاینفک از اسرائیل است، اسرائیل بزرگ یعنی از نیل تا فرات، یعنی تمام منطقه‌ای که عرب نشین است، حجاز هم جزو این باید باشد، مصر هم جزو این است و اینها (دولتهای عربی) نشسته‌اند آنجا دارند تماشا می‌کنند و عده کثیرشان هم همراهی می‌کنند و اسرائیل را می‌خواهند (به رسمیت) بشناسند»^{۱۱}

امام خمینی معتقد بود که اهداف نهائی اسرائیل حتی فراتر از نیل تا فرات است و آنان حتی در اندیشه تسلط بر ایران هم بوده‌اند زیرا صهیونیست‌ها سال‌ها پیش از اشغال فلسطین و تشکیل دادن حکومت در اندیشه کودتا در ایران بوده‌اند:

□ واکنش مبارزه با اسرائیل فقط تهدید و ترور نبود، در مقیاسی بزرگ جنگ تحمیلی نیز عکس العمل این مبارزه بود.

«عمال اسرائیل در ایران (در زمان محمد رضا شاه پهلوی) هر جا انگشت می‌گذاری می‌بینی که یکی از اینها در مراکز حساس، مراکز خطرناک، والله مراکز خطرناک برای تاج این آقا (شاه)، ملتفت نیستند اینها (یهودی‌ها)، آنها بودند که در شمیران توطئه کردند ناصر الدین شاه را بکشند، مملکت ایران را قبضه کنند شما تاریخ را نگاه کنید، تاریخ که می‌دانید، در نیاوران توطئه کردند، در نیاوران چند نفر رفتند ناصر الدین شاه ترور کنند و یک عده هم در تهران بودند که حکومت را قبضه کنند. اینها حکومت را از

خودشان می‌دانند، اینها در کتاب‌هاشان نوشته‌اند، در مقالاتشان نوشتند حکومت مال ماست، باید ما یک سلطنت جدیدی بوجود آوریم.»^{۱۲}

مسئله یهود و صهیونیزم جداست: رفتار بنی اسرائیل با حضرت موسی (ع)، نشان می‌دهد که آنان به پیشوا و پیامبر خویش هم جفا نمودند و در خلال مدت ۴۰ روز غیبت موسی (ع) مجدداً به بت‌پرستی گراییدند و ۴۰ سال قوم بنی اسرائیل بنخاطر این عمل آواره شدند. تاریخ نشان می‌دهد که از سرسخت‌ترین و خطرناک‌ترین دشمنان پیامبر اسلام، قوم یهود بودند که نه تنها نبوت او را انکار می‌کردند که برای نابودی او و یا شکست دادن حکومت نو پای پیامبر اسلام دشمنی می‌کردند و گروهی نیز خواستار همزیستی مسالمت آمیز و انجام مناسک همزیستی خویش بودند تا قرن‌ها پس از ظهور اسلام، یهودیان به استناد روش تسامح و مدارای پیامبر با پیروان مذاهب گوناگون (که تا وقتی توطئه نمی‌کردند آزاد بودند) با مسلمانان در کنار هم زندگی می‌کردند. وقتی عمر بن خطاب با مرکب و لباسی ساده پس از چند ماه محاصره اورشلیم وارد این شهر شد، برخلاف انتظار یهودیان با آنان به نیکی رفتار کرد و یهودیان، قرن‌ها با مسلمانان در کنار هم می‌زیستند و اما افراطیون و نژادپرستان یهودی در امتداد خط همان نیاکان خویش که موجب آوارگی قوم موسی شدند و بعدها فتوای قتل حضرت عیسی (ع) را دادند و با مذهب مسیح به جدال برخاستند و با پیامبر اسلام نیز دشمنی می‌کردند، در اندیشه تحقق رؤیای باستانی اسرائیل بزرگ افتادند. صهیونیست‌ها ادامه همان خطی بودند که حسابشان را باید از یهود جدا ساخت. یهودیانی که می‌خواستند مذهبی باشند و

خود را آلوده به بازی‌های سیاسی نکنند، از آغاز نهضت صهیونی بویژه در امریکا و اروپا، مخالفت خویش را با آن اعلام کردند و در مواردی سازمان‌های مختلف یهودی دست به مبارزه با صهیونیزم زدند. پس از انقلاب اسلامی ایران، اگر چه تفکیک روشنی در این مورد بعمل نیامد و یهودیان زیادی بودند که از عدم مرزبندی دقیق میان یهود و صهیونیزم و یک کاسه کردن آنها کدورت خاطر داشتند اما شواهدی از سخنان امام خمینی دال بر این مرزبندی وجود دارد:

«این اسرائیلی که همین چند وقت پیش از این، همین اخیراً به قرآن کریم نسبت داد به اینکه جنایت بعضی از امراض در آلمان گردن قرآن است، برای اینکه قرآن دستور داده است، برای اینکه قرآن دستور داده است، که مسلم وقتی مستراح می‌رود حق ندارند با صابون بعدش دست خودشان را بشویند... از این جهت میکروب سرایت می‌کند به دست و کذا. آن آیه ششم سوره پنجم چه است؟ آیه وضو است و آیه غسل است این هم در آلمان یک بساطی درست کرد این مطلب، آن طوری که نوشتند به بهداری‌ها، به چه و چه و اسرائیل نقل کرد این مطلب را که به قرآن یک همچنین نسبتی داده»^{۱۴}

حفاری مسجد الاقصی قبله اول مسلمین ویران کردن آن و کشتار جمعی مسلمانان، قبله اول مسلمین و ویران کردن آن و کشتار جمعی مسلمانان، نمونه ای دیگر از دلایل دشمنی اسرائیل با اسلام و مسلمین است و مسلمانان در برابر اسرائیل باید به اسلام و قرآن که وجه مشترک همه مسلمانان است تمسک کنند.

اسلام و اتحاد راه نجات فلسطین:

امام خمینی همواره بازگشت به اسلام و متحد شدن را شرط نجات فلسطین و جلوگیری از امیال توسعه طلبانه صهیونیزم دانسته‌اند و همواره با تاکید بر اینکه مسئله

خود را آلوده به بازی‌های سیاسی نکنند، از آغاز نهضت صهیونی بویژه در امریکا و اروپا، مخالفت خویش را با آن اعلام کردند و در مواردی سازمان‌های مختلف یهودی دست به مبارزه با صهیونیزم زدند. پس از انقلاب اسلامی ایران، اگر چه تفکیک روشنی در این مورد بعمل نیامد و یهودیان زیادی بودند که از عدم مرزبندی دقیق میان یهود و صهیونیزم و یک کاسه کردن آنها کدورت خاطر داشتند اما شواهدی از سخنان امام خمینی دال بر این مرزبندی وجود دارد:

«ما حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم، آنها (صهیونیست‌ها) اهل مذهب نیستند، و قیام بر ضد مستکبرین، طریقه حضرت موسی سلام الله علیه بوده و این درست برخلاف صهیونیست‌هاست حساب جامعه یهود غیر از حساب جامعه صهیونیست است و ما با آنها مخالف هستیم و مخالفت ما برای این است که آنها با همه ادیان مخالف هستند، آنها یهودی هستند، آنها مردمی سیاسی هستند که به اسم یهود کارهایی می‌کنند و یهودی‌ها هم از آنها متنفر هستند و همه انسان‌ها باید از آن‌ها متنفر باشند»^{۱۳}

صهیونیزم یک پدیده سیاسی با آرمان‌های جاه طلبانه، نژادپرستانه و استعمارگرانه است که زیر پوشش مذهب یهود، جلوه مذهبی به خود می‌گیرد و بعنوان ناجی قوم یهود خواسته است این ملت را زیر چتر خویش جمع کند.

مسئله اصلی صهیونیزم، اسلام است:

همانطور که در تاریخ صدر اسلام مشهود است، افراطیون و نژادپرستان بنی اسرائیل و یهود، علیرغم سیاست مدارا از سوی حکومت پیامبر و آزادی آنان در اعمال و مناسک مذهبی خویش، دست به فتنه‌گری و

اصولی اسرائیل نابود کردن اسلام است، خواستار کنار گذاشتن اختلافات از جمله اختلافات مذهبی بود. اگر چه اکثریت اعراب و مسلمانان ساکن فلسطین، پیروان مذاهب اهل سنت بودند اما امام خمینی بعنوان یک فقیه و مرجع شیعه از هیچگونه حمایتی نسبت به آنان فروگذار نمی‌کرد. این رویه برخلاف کسانی بود که چون اهل سنت را غاصب و کافر می‌دانستند معتقد بودند که سنی‌ها دارند مجازات می‌شوند و حمایت از فلسطین را به این بهانه که تقویت اهل سنت است تجویز نمی‌کردند. امام خمینی مسئله را نه در چارچوب‌های تنگ دعوی شیعه و سنی که مربوط به کیان اسلام می‌دانست و به همین رو، پیوسته شیعیان لبنان را در کمک به فلسطین تشویق می‌ساخت زیرا شیعیان لبنان در برابر اسرائیل هم‌سرنوشت هستند. امام خمینی حکمفرمایی یک عده قلیلی صهیونیست را بر یک میلیارد مسلمان جهان ننگ و عار می‌دانست و می‌گفت: «چرا باید یک کشورهایی که دارای همه چیز هستند و دارای همه جور قدرت هستند اسرائیل با آن عده کم بیاید و به آنها اینطور حکمفرمایی کند؟ چرا باید اینطور باشد؟ جز این است که ملت‌ها از هم جدا و از دولت‌ها جدا و دولت‌ها از هم جدا و یک میلیارد جمعیت، یک میلیارد جمعیت مسلمین با همه تجهیزاتی که دارند نشسته‌اند و اسرائیل آن جنایات را به لبنان می‌کند و به فلسطین می‌کند.»^{۱۵}

نه تنها کنار گذاشتن اختلافات مذهبی که کنار گذاشتن اختلافات سیاسی میان دولت‌ها و ملت‌ها و متحد شدن علیه اسرائیل شرط دیگر نجات فلسطین و پاک کردن لکه ننگ سلطه یک عده قلیل بر اراده یک میلیارد مسلمان جهان است و این سخن معروف امام

خمینی رهبر فقید انقلاب اسلامی است که اگر همه مسلمین جمع شوند و هر کدام یک سطل آب بریزند، اسرائیل را آب می‌برد:

« برای من یک مطلب به شکل معماست و آن این است که همه دول اسلامی و ملت‌های اسلامی می‌دانند که درد چیست؟ می‌دانند که دست اجانب در بین است که اینها را متفرق از هم بکنند، می‌بینند که با این تفرقه‌ها ضعف و نابودی نصیب آنان می‌شود، می‌بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده که اگر مسلمین مجتمع بودند و هر کدام یک سطل آب می‌ریختند او را سیل می‌برد، معذک در مقابل او زیون هستند.»^{۱۶}

روز جهانی قدس روز بسیج مسلمانان علیه اسرائیل و امریکا:

تجربه چند دهه اخیر حاکی از آن است که با یک گام عقب نشینی اعراب، اسرائیل چند گام به جلو بر می‌داشت و از هنگامی که طرح‌های سازش کارانه در اعراب وارد بورس دیپلماسی شد، اسرائیل جنوب لبنان را اشغال کرد و وقتی طرح‌های سازشکارانه فهد و فاس و طائف هم به کمپ دیوید افزوده شد ضعف اعراب و عدم تصمیم دولت‌های وابسته و مرتجع عربی برای مبارزه با اسرائیل به نمایش درآمد و اسرائیل نیز از همین ضعف‌ها و فرصت‌ها بهره‌گیری کرد و گام‌های دیگر را برداشت از جمله آنکه، علیرغم مخالفت‌های وسیع، پس از مدت‌ها دولت‌های عربی و اسلامی مواجه گردید. امام خمینی در مقابل این عقب نشینی‌ها، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز قدس اعلام کرد. در این روز اجتماع مسلمانان در فضایی روحانی، زمینه بسایر مناسبی برای طرح همزمان مسئله فلسطین در جهان اسلام است. اعلام روز قدس حرکتی بود در مقابل

پی نوشت

- ۱- ن. ک، بررسی انقلاب ایران ع. باقی ص ۱۶
- ۲- صحیفه نور، جلد ۱، ص ۵۴، سخنان ۱۳۴۲/۳/۱۳
- ۳- صحیفه نور، جلد ۴، ص ۳۰، مصاحبه با امل در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۱۶
- ۴- صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۱۲۰، سخنان مورخ ۱۳۶۲/۸/۳۱
- ۵- تقدم و تأخر محورهایی که در این مقاله مطرح شده به مفهوم اولویت و اهمیت هر بند نسبت به بند بعدی نیست بلکه برعکس، هر کدام از محورها مقدمه و زمینه‌ای برای بحث بعدی است و به همین دلیل اهمیت این بندها از دیدگاه امام خمینی در دو بند آخر بحث است که به نوعی نتیجه‌گیری از مجموعه بحث‌های پیشین می‌باشد.
- ۶- در دیدار با نمایندگان جنبش‌های آزادیبخش در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۲۴ صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۱۹۷
- ۷- اعلامیه مورخ ۱۳۴۶/۳/۱۸ خطاب به میلل و دول اسلامی بمناسبت جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل. صحیفه نور، جلد ۱، ص ۱۳۹
- ۸- سخنرانی علیه جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی در تاریخ ۱۳۵۰/۳/۶ صحیفه نور، جلد ۱، ص ۱۶۵
- ۹- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۲۸۲، سخنان مورخ ۱۳۵۹/۵/۱۸
- ۱۰- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۲۸۲، سخنان مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۸
- ۱۱- صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۹۸، سخنان مورخ ۱۳۶۲/۷/۱۵
- ۱۲- صحیفه نور، جلد ۹۶، ص ۹۶، سخنان مورخ ۱۳۴۳/۸/۱۸
- ۱۳- صحیفه نور، جلد ۶، ص ۱۶۳، سخنان مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۴ امام خمینی در جمع نمایندگان کلمی .
- ۱۴- صحیفه نور، جلد ۱، ص ۱۷۲، سخنان مورخ ۱۳۵۰/۶/۳
- ۱۵- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۹۳، سخنان مورخ ۱۳۵۸/۸/۱۰
- ۱۶- صحیفه نور، جلد ۸، ص ۲۳۵، سخنان مورخ ۱۳۲۸/۵/۲۵

یهودی کردن بیت المقدس، سازشکاری‌های اعراب و پیشروی‌های اسرائیل. روز قدس حرکتی بود در راستای استراتژی اتحاد مسلمین و روز قدس بستر خیزش امواج انسانی و احیای وسیع مسئله قدس و بیداری مسلمین بود. چون حکومت‌ها در خط امتیاز دهی پی‌درپی به اسرائیل افتاده بودند، روز قدس عامل توقف این روند و روزی بود که ملت‌ها را نیز وارد معادله سرنوشت ساز قدس می‌ساخت.

«مسلمانان ننشینند که حکومت‌هایشان بر ایشان عمل بکنند و اسلام را از دست صهیونیزم نجات بدهند ننشینند که سازمان‌های بین‌المللی برای آنها کار بکنند، ملت‌ها خودشان قیام کنند و حکومت‌های خودشان را وادار کنند در مقابل اسرائیل بایستند و اکتفا نکنند به محکوم کردن»^{۱۷}

« من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت فلسطین نیز باشد بعنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مسلمانان اعلام نمایند.»^{۱۸}

امام خمینی می‌گفتند اگر یک میلیارد جمعیت مسلمانان مجتمع شوند و هر کدام یک سطل آب بریزند اسرائیل را آب می‌برد و روز قدس مقدمه ای بود برای به راه انداختن راهپیمایی‌ها و تظاهرات همزمان مسلمانان جهان و راه‌اندازی امواج انسانی علیه اسرائیل و برای نجات فلسطین.